

## بررسی مفهوم عشق در ویس و رامین بر مبنای نظریه نورمن فرکلاف

دکتر پوران یوسفی پور\*

شهاب سالاری\*\*

### چکیده

امروزه بین لفظ و ماهیت کلمه عشق در زبان و ادبیات فارسی، نوعی همسانی وجود دارد که اغلب معنای این کلمه را دوست داشتن همراه با نوعی تعهد، دلسوزی، شفقت و شهوت می‌داند. از نمونه‌های برداشت ظاهری از معنای عشق می‌توان به کتاب ویس و رامین اشاره کرد. این منظومه که عشق متقابل، شهوانی و افسار گسیخته دختری به نام ویس با برادر شاه «موبد» به نام رامین، را به تصویر می‌کشد اولین منظومه عاشقانه فارسی است که در آن از دلدادگی دونفر ورای ارزشها و اخلاقیات اجتماعی صحبت شده است. اما آیا واقعا موضوع ویس و رامین شرح دلدادگی ویس به رامین است یا اینکه در لایه‌های پنهان این منظومه، رقابت‌ها و همکاری‌های گفتمانی در رابطه با جامعه، سیاست و فرد توسط زبان پنهان شده است؟ برای یافتن پاسخ این مسأله در تحقیق حاضر از روش توصیفی و بکارگیری منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی‌های اسنادی استفاده شده است. یافته‌ها که بر اساس چارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف بدست آمده، نشان می‌دهد که واژه عشق در منظومه ویس و رامین تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، سیاسی، طبقاتی و فرهنگی گستره‌ای از معانی دوست داشتن، خیانت، قربانی کردن را در رابطه با سیاست و اجتماع ایران قرن پنجم به نمایش گذاشته است.

**واژگان کلیدی:** عشق، ویس و رامین، سیاست و اجتماع، گفتمان، فخرالدین اسعد گرگانی، فرکلاف

\* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد انار- ایران Pooran.yosefi2020@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد انار- ایران

Shahan.salari@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۳



#### مقدمه

فرهنگ لغات واژه یا کلمه عشق را لذتی مثبت معنا می‌کند که موضوع آن زیبایی ظاهری است. یا اینکه احساسی عمیق، علاقه‌ای لطیف و یا جاذبه‌ای شدید است که محدودیتی در موجودات و مفاهیم ندارد و می‌تواند در حوزه‌هایی غیرقابل تصور، ظهور کند. «در واقع عشق جاذبه‌ای است که بین عاشق و معشوق رخ می‌دهد.» (ارژنگ مدی، ۱۳۸۶: ۷) اما آیا این معنا از کلمه عشق، در طول تاریخ زبان فارسی و مخصوصاً در منظومه ویس و رامین برداشت می‌شده است؟ در پاسخ باید گفت از آنجا که واژگان و کلمات تحت تأثیر کاربران خود هستند، می‌توان در پذیرفتن معنای امروزی کلمه عشق برای مفهوم گذشته آن تردید نمود. چرا که «واژگان همانند دیگر لوازم زندگی انسانی در طول تاریخ، تغییر معنا می‌دهند.» (عابدین زاده، ۱۳۷۷: ۲۱)

در گذر تاریخ ادب فارسی عوامل مختلفی در تغییر معنای کلمه عشق به مانند دیگر واژگان موثر بوده‌اند. نوع انسجام اجتماعی همانند ازهم پاشیدگی و شکاف یا همبستگی مردم، عوامل اقتصادی مانند رونق یا بحران اقتصادی، شرایط سیاسی همانند خفقان یا آزادی عقیده و اندیشه و دیگر عوامل، در تغییر معنا و مفهوم کلمه عشق تأثیر داشته‌اند. نکته دیگر «در مورد مفهوم واژه عشق در ادب فارسی آن است که ذیل همه معانی در نظر گرفته شده برای این واژه از دوره باستان تا کنون نوعی خواست و تمایل نهفته است.» (پورجوادی، ۱۳۷۰: ۹) در واقع کلمه عشق از گذشته تا کنون مفهوم خواستن و آرزو داشتن را در نظر کاربران خود حمل می‌کرده است.

خواست دوطرف برای معنای عشق نزد عام مردم بیشتر به وجود رابطه دوستانه بین دو نفر دلالت دارد. «عشق معمولاً نوعی توجه و اهمیت دادن به یک شخص یا شیء است که حتی گاهی این عشق محدود به خود نمی‌شود. با این وجود در مورد مفهوم عشق نظرات متفاوتی وجود دارد.» (حسینی، ۱۳۷۴: ۹۲) عده‌ای وجود عشق را نفی می‌کنند. عده‌ای هم آنرا یک مفهوم انتزاعی جدید می‌دانند و تاریخ «ورود» این واژه به زبان انسان‌ها و در واقع اختراع آن را طی قرون وسطی یا اندکی پس از آن می‌دانند. (عابدین، ۱۳۷۷: ص ۲۲) به همین دلیل مقاله حاضر سعی دارد علاوه بر مطالعه تاریخ این کلمه در زبان فارسی، مفهوم مورد نظر سُراینده ویس و رامین را از آن بررسی نماید. به واقع در این مقاله با بررسی جایگاه عشق در منظومه ویس و رامین مشخص می‌شود که



صاحب اثر با بکارگیری آگاهانه و ناآگاهانه مفاهیمی چون «دوست داشتن، محبت کردن، لذت خواستن، وفاداری، مسئولیت، خیانت، دورویی، دروغ و غیره» ذیل واژه عشق، به چه مرزبندی بین کاربرد ادبی و گفتمانی واژه عشق در اثر خود پرداخته است.

همچنین شناخت هدف فخرالدین اسعد گرگانی از بکارگیری دوگانه عشق در منظومه ویس و رامین مسأله دیگر پژوهش حاضر است. وجه ابهام و مسأله اصلی پیرامون واژه عشق در منظومه ویس و رامین نامشخص بودن رابطه‌ای است که گرگانی بین مفهوم عشق و معانی مختلف آن در کتاب خویش ایجاد کرده است. برای شناخت ابعاد مختلف این ابهام و یافتن منظور سُراینده از بکارگیری مفهوم عشق در این مقاله از روش تحلیل انتقادی گفتمان در قرائت فرکلافی آن استفاده می‌شود. زیرا در تحلیل گفتمان انتقادی از متون ادبی علاوه بر ایدئولوژی دو عامل: نحوه بکارگیری زبان، نقش نویسنده نیز با اهمیت است. به نظر نورمن فرکلاف نویسنده با انتخاب زبان خاص به هنگام استفاده از واژگان، بیان افکار خود را مناسب مخاطب خاصی بیان می‌کند و با این رفتار می‌تواند مرزهای طبیعی و عادی شده ایدئولوژی رسمی در ذهن مخاطب را با چالش روبرو سازد. فرایند سُرایش منظومه ویس و رامین همین تجربه را طی کرده است که در مباحث پیشینه پژوهش، چارچوب نظری و تحلیل و بررسی خواهد آمد.

### پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه مطالعاتی مفهوم و واژه عشق، تاریخی به اندازه زندگی انسان دارد. چرا که هر کسی که از این کلمه استفاده کرده دلایل خاص خود را مستقیم یا غیرمستقیم برای شنونده بیان داشته است. اما در دوره معاصر نقد ادب فارسی، منتقدین و نظریه‌پردازان زبان فارسی و زبانشناسی به بررسی واژگان و کارایی آنها در آثار خود پرداخته‌اند. با مختصر مطالعه‌ای که در مورد تحقیقات صورت گرفته پیرامون واژه عشق انجام شد، حداقل برای نویسنده این مقاله مسلم گشت که تحقیق خاصی درباره‌ی مفهوم واژه عشق در ویس و رامین از منظر تحلیل گفتمان انتقادی در قرات فرکلافی آن صورت نگرفته است. بلکه بیشتر مطالعات بُعد خاصی از این واژه را بررسی نموده‌اند که اهم آنها در ادامه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.



پورجوادی ۱۳۷۰ مقاله‌ای با عنوان «سیر تحولات معنایی عشق مجازی و حقیقی» نگاشته است. نویسنده در این مقاله عشق را از بعد عرفانی مورد مطالعه قرار داده و عشق را هم معنای واژگانی چون باده، مستی، محبت، نور و غیره آورده است. در واقع پورجوادی تحقیق خود را مختص جایگاه عشق در عرفان اسلامی انجام داده و حتی از نظر لغت‌شناسی و مفهوم‌شناسی این واژه را در ادب غنایی به طور مختصر مطالعه نموده است.

رحیمیان ۱۳۷۰ در مقاله‌ای با عنوان «عشق حقیقی و عشق عرفانی» با یک روش تاریخی، پنج مرحله از معانی مختلف عشق را در فلسفه، عرفان و ادبیات ایرانی مورد مطالعه قرار داده است. به نظر این نویسنده معانی مجازی، جنسی و عقلانی عشق مفاهیمی ظاهری هستند که قبل از عشق عرفانی و الهی رخ می‌دهد. این مقاله سایه عرفان‌گرایی بر متن خود را از ابتدا تا انتها حفظ کرده است. اگرچه در بحث لغت‌شناسی خود، به طور مختصر دیگر معانی عشق که مد نظر شعرا، نویسندگان و فلاسفه و عرفا را آورده است. اما نتوانسته به صورت مستقل واژه عشق را از نظر تاریخی بکاود.

رودگر ۱۳۸۶ مقاله‌ای با عنوان «تفسیر عشق، تقسیم عشق» نگاشته که در آن این واژه را از منظر عرفانی مورد بررسی قرار داده است. به نظر رودگر عشق امری خاص الهی است و اساس هستی و دنیا به آن وابسته است. لذا سخن گفتن در مورد آن و یافتن اصل معنا و هدف آن ممکن نیست. از نظر رودگر اقسام عشق انسانی عبارتند از خیالی، حسی و عقلانی که در آخر امر باز مفهومی عرفانی محسوب می‌شوند. به نظر نویسنده مفهوم عشق تفسیر پذیر نیست چون امری الهی است که حتی عرفان هم ظاهری از آنرا برمی‌شناسد. به واقع عشق جوهره‌ای است که با خلق از امر سکون به جوشش درآمده است. این مقاله نیز با متمرکز شدن بر مفهوم عرفانی و الهی کلمه عشق دیگر معانی آنرا طرد نموده است.

نجومیان ۱۳۹۱ در مقاله «تجربه عشق در کتاب عشق روی پیاده‌رو نوشته مصطفی مستور» نگاه داستان‌نویسی معاصر ایرانی را به مفهوم عشق بررسی کرده است. به نظر نویسنده عشق نزد مصطفی مستور مفهومی استعلایی است که ارزش تجربه کردن دارد. نجومیان با بکار بردن روش تحلیل متن پست مدرن ژان لاکان مفهوم عشق را در داستان عشق روی پیاده‌رو تحلیل نموده و مدعی است



که عشق در داستانهای کوتاه این کتاب نوعی غیاب و استعلا است که در رابطه عاشق و معشوق خلق و تجربه می‌شود. این مقاله گرچه با ابزاری نوین مفهوم عشق را کاویده است، اما در مورد کارکردها و دیگر مفاهیم عشق همچون مجاز یا حقیقت سخنی نگفته و اشاره‌ای هم به ویس و رامین نکرده است.

ممتن و ملیحی زاده ۱۳۹۱ در مقاله خود با عنوان «بررسی مقایسه‌ای عشق در لیلی و مجنون و رومئو و ژولیت» سعی کرده‌اند ابعاد مختلف عشق را از نظر ادبی، فلسفی و اجتماعی مورد بررسی قرار دهند. این دو نویسنده در مقاله خود ابتدا واژه‌شناسی از عشق انجام داده سپس مفهوم آنرا بررسی نموده و آنرا به حقیقی و مجازی تقسیم نموده‌اند. به نظر آنها این تقسیم‌بندی را می‌توان در ادبیات و فرهنگ جامعه فارسی و انگلیسی زبان یافت. به نظر آنها عشق امری کلی و جهانی است که در همه جای جهان برداشت دوست داشتن و لذت بردن از آن استنتاج می‌شود. آنها دلایل ناکامی لیلی و مجنون و رومئو و ژولیت را بیشتر مسائل سیاسی و رقابتهای اجتماعی می‌دانند. با مختصر مطالعه‌ای که در پیشینه ادبی موضوع و ماهیت عشق صورت گرفت مشخص شد که اکثر این تحقیقات با اختصاص قسمتی از متن خود به واژه‌شناسی و مفهوم عشق که اکثراً هم تکراری است، به اهمیت تاریخی و واژه‌شناسی و معنایابی این کلمه و نحوه کاربرد آن در زبان فارسی کمتر توجه داشته‌اند. به همین دلیل سعی می‌شود در این مقاله به صورت اختصاصی این موضوع در ویس و رامین از منظر زبان‌شناسی و تحلیل انتقادی بررسی گردد تا جوانب مبهم آن در بکارگیری و خوانش حداقل در ویس و رامین مشخص گردد.

### چارچوب نظری

پیش‌فرض اولیه اکثر پژوهشهای علمی آن است که نظریه‌ها ارکان اساسی علوم مختلف را تشکیل می‌دهند، زیرا تمام تفسیرها و تحلیل‌های پژوهشگر از پدیده‌های طبیعی و اجتماعی در قالب نظریه‌ها صورت می‌گیرد. در واقع «پژوهشگر بدون ذهن مسلح به نظریه، قادر به درک علمی از جهان پیرامون خود نیست.» نظریه به داده‌ها و مشاهدات هر فرد نظم، ترتیب و میدان دید می‌دهد.



به گفته اینگلس<sup>۱</sup> «نظریه پردازی یعنی گردهم آوردن تکه‌ها و قطعات زیادی از تجارب و رویدادها به گونه‌ای که الگوی آن‌ها را مشاهده کنیم؛ و احتمالاً درک زنجیره علل یا به زبان دیگر، درک این که مردم برای آن چه انجام داده‌اند و چه دلایلی دارند، را بشناسیم.» (سجودی، ۱۳۸۲: ۴) نتیجه اینکه بر مبنای یک نظریه خاص صحبت، پژوهش و یا مطالعه کردن در مورد یک موضوع خاص امکان دریافتهای جدیدتر از یک موضوع تکراری را فراهم می‌سازد. به همین دلیل بکارگرفتن نظریه تحلیل انتقادی فرکلاف برای برای مفهوم عشق در ویس و رامین می‌تواند بسیاری از ابهامات در این موضوع را مرتفع سازد.

نورمن فرکلاف یکی از شخصیت‌های مهم در بکارگیری نظریه تحلیل گفتمان انتقادی است. فرکلاف رویکرد خود را مطالعه انتقادی زبان می‌نامد و دلیل آنرا «کمک به تصحیح کم توجهی گسترده نسبت به اهمیت زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت» و دومین هدف را که عملی‌تر است «کمک به افزایش آگاهی نسبت به این که چگونه زبان در سلطه بعضی بر دیگران کلمات و واژگان را به کار می‌گیرد.» هدف دوم فرکلاف از بکارگیری این روش بالا بردن سطح آگاهی افراد است. وی بر این باور است که «در گفتمان مردم می‌توانند روابط قدرت خاصی را مشروعیت بخشند یا آن را به رسمیت نشناسند، بدون این که از کاری که انجام می‌دهند آگاهی داشته باشند» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۱).

روش فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی، نوعی از تحلیل گفتمان متن‌محور<sup>۲</sup> است که تلاش می‌کند سه سنت را با یکدیگر تلفیق کند: ۱- تحلیل مفصل و دقیق متن در حوزه زبان‌شناسی؛ ۲- تحلیل جامعه‌شناختی کلان‌کنش اجتماعی؛ ۳- سنت تفسیری و خرد در جامعه‌شناسی. (شامل مطالعات قوم‌نگارانه و تحلیل گفتگو) براساس این سه سنت به نظر فرکلاف، نحوه کاربرد زبان و واژگان در زندگی روزمره مردم، محصول کنش‌های اجتماعی افراد به شمار می‌آید، کنش‌هایی که بر اساس پیروی مجموعه‌ای از قواعد و رویه‌های «عقل سلیم» مشترک انجام می‌گیرند.

<sup>۱</sup> E. Ingles

<sup>۲</sup> text

<sup>۳</sup> social act



(فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۲۷) به عنوان مثال از منظر فرکلاف می‌توان گفت فهم دلدادگی و دوست داشتن از واژه عشق در ادب فارسی نوعی گفتمان است که بر زبان پیرامون این واژه حاکم است. فرکلاف سه مرحله را در روش خود برای تحلیل گفتمان متن قائل می‌شود که داده‌های این سه مرحله با پیش‌فرضهای موجود درباره متن متفاوت است: ۱- توصیف: مرحله‌ای است که با ویژگی‌های ظاهری متن سروکار دارد؛ ۲- تفسیر: که به رابطه بین متن و نحوه تعامل کاراکترهای آن مربوط می‌شود. در این مرحله، متن به عنوان محصول فرایند تولید و همینطور منبعی در فرایند تفسیر در نظر گرفته می‌شود. ۳- تبیین: مرحله‌ای است که به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد. بدین صورت که چگونه فرایندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر اجتماع قرار دارند. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۲۱)

در هر سه مرحله این روش تحلیل وجود دارد اما ماهیت آن در هر مرحله متفاوت است. تحلیل در مرحله اول به برجسب‌دهی ویژگی‌های ظاهری متن بسنده می‌کند و متن را به مانند یک شیء در نظر می‌گیرد. در مرحله دوم به تحلیل فرایندهای شناختی شرکت‌کنندگان<sup>۱</sup> و تعاملات میان آن‌ها می‌پردازد. مرحله سوم به ارتباط بین تعاملات و ساختارهای اجتماعی اشاره می‌کند که بر این تعاملات تأثیر می‌گذارند و از آن‌ها نیز تأثیر می‌پذیرند. (بشیر، ۱۳۸۴: ۶۱) در ادامه بر اساس روش فرکلاف ابتدا ویژگیهای کلی متن ویس و رامین به صورت توصیفی بیان می‌شود، سپس در سطح تفسیر فرایندهای تولید کننده متن ویس و رامین و بکارگیری مفهوم عشق در آن بررسی می‌گردد و در سطح تبیین چگونگی بازتولید معنای ساخته شده عشق در سطح جامعه را توضیح می‌دهد.

### تحلیل و بررسی

برای بررسی مفهوم عشق در منظومه ویس و رامین بر مبنای الگوی فرکلاف در این مقاله از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین استفاده می‌کنیم. با این روش مشخص می‌گردد که شاعر در منظومه ویس و رامین چند معنای متفاوت را از مفهوم عشق در نظر داشته که عامیانه‌ترین آن دلباختگی و عمیق‌ترین آن تلاش برای کسب قدرت است.

<sup>۱</sup> participants



### خلاصه داستان

پادشاه میانسال «مرو» به «شهر» ملکه‌ی «ماه آباد» یا همان مهاباد امروزی که در کردستان واقع است، ابراز علاقه می‌نماید. شهر و به پادشاه مرو توضیح می‌دهد که متاهل و دارای یک فرزند پسر به نام «ویرو» می‌باشد. شهر و ناگزیر می‌شود به دلیل داشتن روابط دوستانه با خاندان بزرگ و قدرتمند در شمال شرقی ایران قول بدهد که اگر روزی صاحب دختری شد او را به همسری پادشاه مرو در بیاورد. شهر و که فکر می‌کرد دیگر فرزندی بدنیا نمی‌آورد این قول را می‌دهد اما از قضای روزگار چنین نشد و وی صاحب دختری به نام ویس می‌گردد. ویس را به دایه‌ای می‌سپارند تا او را در خوزستان با پسری رامین نام که تحت آموزش بزرگان است، تربیت شود. بعد از چند سال آموزش و تعلیم رامین به مرو فراخوانده می‌شود و ویس نیز به زادگاه خود بازمی‌گردد. در این هنگام که ویس دختری بالغ شده است بحث ازدواج او با پادشاه مرو پیش می‌آید. شهر و مادر ویس بدلیل آن که دختر زیبایی خود را در پی قولی که در گذشته به پادشاه داده بود، و اکنون پای به سن گذاشته، در نیاورد، بهانه ازدواج با غیر خودی را به رسم پادشاهی اشکانیان مطرح می‌نماید. برادر ناتنی شاه «زرد» برای تذکر درباره قول شهبانو شهر و وارد کاخ شاهنشاهی می‌شود ولی ویس که هرگز تمایل به چنین ازدواجی نداشت از درخواست پادشاه مرو و نماینده‌اش «زرد» امتناع می‌کند و بین دو خاندان جنگ درمی‌گیرد.

طی جنگ ویس و رامین همدیگر را می‌بینند و نقطه آغازین عشق ویس و رامین در دشت نهاوند رقم می‌خورد. رامین پس از این دیدار به این اندیشه افتاد که برادر خویش (پادشاه مرو) را از فکر ازدواج با ویس منصرف کند ولی پادشاه مرو از قبول این درخواست امتناع نمود. ویس با شاه مرو ازدواج می‌کند اما خیانت ویس و رامین به او باعث جنگ می‌شود. در یک درگیری شاه مرو می‌میرد و پس از شنیدن خبر مرگ او، رامین در نقش برادر و به عنوان جانشین وی تاج سلطنت را بر سر می‌گذارد و زندگی رسمی را با معشوقه‌ی خود ویس آغاز می‌کند تا روزی که ویس پس از سال‌ها به مرگ طبیعی می‌میرد. رامین که زندگی پر از رنجش را برای رسیدن به ویس سپری کرده بود با مرگ ویس کالبد او را در زیر زمینی قرار می‌دهد و پس از واگذاری تاج و تخت شاهی به اطرافیان در مراسمی بزرگ به زیر زمین می‌رود، خودکشی می‌کند.





### توصیف

اولین سطح مورد استفاده برای بررسی منظومه ویس و رامین بر مبنای تحلیل انتقادی فرکلاف، سطح توصیف است. در این سطح واژگان، دستور زبان و ساختهای متنی مورد بررسی قرار می‌گیرد. «در سطح توصیف که ابتدایی‌ترین شکل تحلیل گفتمان فرکلاف است، پرسشهایی پیرامون واژگان، مباحث دستوری و سطح متن مطرح می‌شود که تحلیل‌گر با پاسخ دادن به آنها سعی دارد اهمیت زبان‌شناختی متن را نشان دهد.» (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۴۹) تحلیل توصیفی منظومه ویس و رامین که در ادامه می‌آید کارایی روش فرکلاف را برای مطالعه ویژگیهای زبان‌شناختی این متن نشان می‌دهد. این سوالات عبارتند از:

### کلمات واجد کدام ارزشهای تجربی هستند؟

با مطالعه منظومه ویس و رامین این مهم بدست می‌آید که گرگانی برای واقعی جلوه دادن عاشقی در داستان خود سعی دارد از تجربیات عاشقانه در زندگی اجتماعی و واقعیات آن در زندگی خود، مردم و حکومت سخن بگوید. لذا کلماتی که بکار می‌برد علاوه بر داشتن وجه ادبی و خیالی عاشقانه، در گفتمان عاشق و معشوق تقریباً برای همگان پذیرفته شده است. دوستی، محبت، وفاداری، خیانت، دروغ، دورویی، و دیگر کلمات همسان، واژگانی هستند که علاوه بر اینکه فضای عاشقانه‌ای را می‌سازند، در زندگی تک تک افراد جامعه تجربه شده‌اند. به عنوان مثال گرگانی در وصف خداوند و ستایش او در ابتدای منظومه از کلماتی چون ستایش، مُلک، زیبایی، گیتی و ما سخن می‌گوید که برای همه مردم ایران چه در قرن پنجم و چه زمان حال ارزش عشق تجربی دارند:

سپاس و آفرین آن پادشاه را	که گیتی را پدید آورد و ما را
بدو زیباست ملک پادشاهی	که هرگز ناید از ملکش جدایی

(گرگانی، ۲۱)



### در طبقه‌بندی کلمات از کدام طرح‌ها استفاده شده است؟

فرکلاف با پرداختن به اهمیت طبقه‌بندی کلمات در متن و هنگام کاربرد توسط گوینده یا نویسنده، سعی دارد چگونگی رابطه بین کاربران حاضر در متن را برای مخاطب خود نمایان سازد. این طبقه‌بندی می‌تواند از موقعیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و یا حتی اقتصادی سخن بگوید. (قهرمانی، ۱۳۹۲: ۷۶) در منظومه ویس و رامین کاربرد کلمات عاشقانه مطابق ساختار اجتماعی ایران به گونه‌ای است که طبقه‌بندی اجتماعی را به خوبی بازنمایی می‌کند. هر کلمه توسط کاربر خاصی باید بکار برده شود و دیگران نمی‌توانند از آنها استفاده کنند و یا در صورت بکارگیری اهمیت گفتمانی نزد افراد ندارد. در صفحات ۵۳ و ۵۴ استفاده از کلمات برای توصیف پادشاه و شهرو والی به گونه‌ای است که طبقه‌بندی اجتماعی و سیاسی را به خوبی نمایش می‌دهد. نکوبختی، کامگاری، شادمانی، مهی برای وصف شاه و ضعف، در گل ماندن چون خر، دروغ و ناچاری برای وصف طبقه والی یا همان شهرو بکار برده شده است.

دروودت باد شهرو زشهنشاه	زداماد نکوبخت و نکوخواه
دروودت با بسی پذرفتگاری	به شاهی و مهی و کامگاری
چو شهرو نامه بگرفت و فروخواند	چو پی کرده خری در گل فروماند
من از تو راستی خواهم که جویی	همیشه راستی ورزی و گویی

(گرگانی، ۵۳-۵۴)

### چه نوع روابط معنایی (هم معنایی، شمول معنایی، تضاد معنایی) به لحاظ ایدئولوژیک معنادار بین کلمات وجود دارد؟

اهمیت روابط معنایی در نظر فرکلاف به جایگاه و اهمیت ایدئولوژی در نظریه او برمی‌گردد. به گفته او «روابط معنایی همسانی و همراهی یا تقابل و تخاصم رقابت ایدئولوژی‌ها را نشان می‌دهند.» (سلطانی و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۲) سراسر منظومه ویس و رامین روابط هم معنایی بین واژه عشق و دیگر واژگان هم معنا وجود دارد. برای نمونه می‌توان به این دو بیت اشاره کرد:

بسه پیروزی و مهرورزی جهان را تو مهی کن که می‌ارزی



چنانست باد در دولت بلندی      که چون جمشید در دولت ببندی  
(گرگانی، ۶۰)

### آیا عباراتی وجود دارند که دال بر حُسن یا قبح تعبیر باشند؟

عباراتی که به حسن یا قبح تعبیر می‌شوند دوگانگی موجود در زبان را نشان می‌دهد. به نظر فرکلاف عبارات حسن و قبح شرایط را به گونه‌ای پیش می‌برند که توجیه‌کننده ایدئولوژی باشند. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۷۹) این کارایی عبارات را می‌توان در فضای عاشقانه منظومه ویس و رامین به وفور مشاهده کرد. باغ بهاری، مه راست، نادانی به زور، داده اهرمن، عکس خورشید، دیو اهریمن، شیر نکوروی و دیگر عبارات نشانگر آن است که عاشقانه ویس و رامین تقابل عبارات را در ذیل واژه عشق به نمایش می‌گذارد.

یک را گونه شد هم‌رنگ دینار      یکی را چهره شد هم‌رنگ گلنار  
دلاور برآمد از ببد دل پدیدار      که این با خرمی بُد آن به تیمار  
(گرگانی، ۶۸)

### آیا کلماتی وجود دارند که آشکارا رسمی یا محاوره‌ای باشند؟

فرکلاف با این سوال دو گفتمان رسمی و عامیانه را در متن شناسایی می‌کند. در منظومه ویس و رامین که گفتمان عاشقانه سعی دارد با کمک عقلانیت فردی بر جبر ساختاری گفتمان احساسی پیروز شود، نحوه تقابل این دو گفتمان را در بکارگیری کلمات عامیانه یا رسمی نشان دهد. دربار و پادشاه از کلمات رسمی در عشق خود به ویس صحبت می‌کنند و رامین و هواخواهان او از کلمات محاوره‌ای برای اثبات عشق خود بهره می‌برند: گوهر عشق شاهانه: پرمایه، گنج شهوار، گوهر شاهان، جوهر.

همش در تخمه‌اش پرمایه است گوهر      همش در گنج شهوارست جوهر  
بدان گوهر شاهان سرفراز است      بدین جوهر زمردم بی‌نیازست  
(گرگانی، ۱۲۳)



### از نظر دستوری آیا از فرآیند اسم سازی استفاده شده است؟

از نظر فرکلاف اسم‌سازی فرایندی است که استقلال نسبی گوینده یا نویسنده متن را از ساختارها و پیش‌فرضهای اجتماعی یا ادبی آزاد می‌سازد. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۱) اسم‌سازی جزئی از خلاقیت گرگانی در منظومه ویس و رامین است که به کمک آن تصاویر و فضای عاشقانه را به بهترین نحو بیافریند:

به مغزش پر شد از دل آتش مهر	دمیدش زعفران از لاله گون چهر
پیام من بر گو به آن سمنبر	بهانه بیش از این پیشم میاور
من از تیمار ویسه چنانم	شبان از روز و روز از شب ندانم
بتر زین کی نماید بخت کینم	که ویرو را همی در خواب بینم

(گرگانی، ۱۳۴۹)

### جملات معلوم هستند یا مجهول؟

به نظر فرکلاف «حضور جملات مجهول و معلوم می‌واند روابط زبانی و تقابلهای گفتمانی را از سطح عبارت و جمله تا گفتمانها کلی حاضر در ذهن و زبان نشان دهد.» (بشیر، ۱۳۸۴: ۱۵۱) در منظومه ویس و رامین کاربرد جملات معلوم و مجهول عاشقانه‌های عاشق و معشوق را با گلایه و کنایه و یا صراحت و صداقت به تصویر می‌کشد:

الف: نمونه‌ای از جملات مجهول که فاعل نامشخص است

یکایک دل به چیزی رام دارند	به رامش روز خود پدرام دانند
گروهی صید یوز و باز جویند	گروهی چنگ و بریط سازند

(گرگانی ۱۳۳)

ب: جملات معلوم:

اگر رامین به بالا هست چون سرو	به مردی و هنر پیرایه چون مرد
همورا به خدایش یا بادا	تورا جز مهر رامین کار بادا

(گرگانی ۱۳۶)



### جملات مثبت هستند یا منفی؟

اهمیت مثبت یا منفی بودن جملات کلیت رقابت یا نزاع گفتمان‌ها را در جملات و متن نشان می‌دهد. نتیجه متن با جملات مثبت همخوانی با خواسته‌های سُراینده متن عاشقانه ویس و رامین دارد که عاقبت به وصال عاشق و معشوق می‌انجامد.

الف: ابیاتی که با جملات مثبت به پایان می‌رسد.

شکار مرد باشد زن به هرسان      بگردد مرد او را سخت آسان  
به رنگ گونه گون آرد فرابند      به امید و نوید سخت سوگند  
(گرگانی، ۱۳۷)

ب: گرگانی ابیاتی را با جملات منفی برای نشان دادن واقعی بودن حوادث عاشقانه منظومه خود بکار می‌برد:

نه مرد بی‌وفا داردش آزر      نه در نامردم ازو دارد شرم  
نورزد مهر و نیز افسوس دارد      نگوید خوب و ننگش برشمارد  
(گرگانی، ۱۳۷)

### از کدام وجه‌ها، (خبری، پرسشی، دستوری، امری) استفاده شده است؟

به نظر فرکلاف «وجهای مختلف جملات نشان دهنده آن است که آیا یک گفتمان در حال برساختن است یا این اینکه در برابر دیگر گفتمانها مقاومت می‌کند.» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۹۷) این ویژگی را در گفتمان عاشقانه‌ای که فخرالدین اسعد گرگانی برمی‌سازد می‌توان مشاهده کرد. با بررسی ابیات این منظومه شاید به جرأت بتوان گفت که وجوه مختلف خبری در آن به یک نسب بکار رفته است.

الف: وجه خبری در ابتدای منظومه و دلیل بر سرودن آن

اگر داننده‌ای در او برد رنج      شوزیبا چو پر گوهر یکی رنج  
کجا این داستان نامدارانست      در احوالش عجایب بی‌شمارست  
(گرگانی، ۳۰)



ب: وجه پرستی:

کجا من با برادر جفت گشتم  
مرا تا هست سرو خویش و شمشاد  
زمهر دیگران یار گشتم؟  
چرا آرم زبید دیگران یاد؟  
(گرگانی، ۷۷)

ج: وجه دستوری:

خروشان زار با دایه همی گفت  
ندانم زاری خود با که گویم  
به زرای نیست چو من جفت  
ندانم چاره خویش از که جویم  
(گرگانی، ۷۴)

د: وجه امری:

بتـرس ار بخـردی از داد داور  
مرا پیرایه و دیبا و دینار  
کجا این ترس پیران را نکوتر  
فراوان است گنج و شهر بسیار  
(گرگانی، ۷۷)

### ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزشهای بیانی هستند؟

به نظر فرکلاف «ارزشهای بیانی تعیین کننده ارزش گذاری تولید کننده متن نسبت به واقعیت است. به واقع در ارزشهای تجربی نویسنده و یا خالق اثر نگاه ارزشی خود به واقعیت را نشان می دهد.» (آقاگل زاده، ۱۳۸۶: ۵۲) در منظومه ویس و رامین سراینده متن واقعیت عشق را از منظر ارزشی در گفتمانهای مختلف به تصویر می کشد و نگاه اجتماعی و فرهنگی نسبت به آنرا برمی سازد.

الف: نگاه قضا و قدر گونه به عشق

چنین دادش پیام از شاه شاهان  
که نتوانی زبند چرخ رستن  
که دل خرسند کن ای ماه تابان  
ز تقدیری که یزدان کرد رستن  
(گرگانی، ۷۵)

ب: نگاه استعاری به عشق در رابطه عاشق و معشوق

رخانش هست گفتی توده گل  
لبانش هست قطره مل



چوزاغی اوفتاده گشته در برف  
(گرگانی؛ ۱۰۷)

زچشمش خواب نوشین را برانده  
بسان در فشانده بر سر می  
(گرگانی؛ ۱۱۵)

همیدون زندگانی در وفایت  
بکارم تا شکر بار آوری تو  
وز آن دردی که زمهر تو خوردم  
به فرجام از تو آن دیدم که دیدم  
(گرگانی؛ ۳۶۲)

دوزلفش مشک و رخ کافور و شنگرف

ج: نگاه اخلاقی به عشق

خیال دوست در دیده بمانده  
زشرم دایه رخس گشت پر خوی

د: نگاه عارفانه به عشق

مرا گم شد جوانی در هوایت  
گمان بردم که شاخ شکری تو  
چو یاد آرم از آن رنجی که بردم  
چه مایه سختی و خواری کشیدم

### تفسیر

دومین سطح بررسی منظومه ویس و رامین مطابق الگوی فرکلایف، سطح تفسیر داده‌ها می‌باشد. «در این سطح پژوهشگر با پاسخ دادن به سه سوال ۱- ماجرا چیست؟ ۲- چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ ۳- روابط بین افراد درگیر ماجرا چگونه است؟ نقش زبان در بازتفسیر قرائتهای مختلف از مفهوم عشق را نشان می‌دهد.» (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۵) در این سطح تبیین مشخص می‌شود که با بررسی روابط قدرت و رقابتهای ایدئولوژیک گفتمانهای حاضر در مبارزه اجتماعی منظومه ویس و رامین چرا تمرکز بر واژه عشق شده است.

### ماجرا چیست؟

موضوع اصلی منظومه ویس و رامین پیرامون موضوع «عشق» خلاصه می‌شود. این کتاب مفهوم چندگانه عشق را در گفتمانهای مختلف قرن پنجم هجری در ایران به تصویر می‌کشد. گفتمانهای



عاشق، معشوق، جنسیت، عقلانیت، احساس، قدرت، مقاومت، سلطه و ایدئولوژی یا همان مذهب هر کدام تفسیر خاصی از عشق دارند. این گفتمانها طی یک حادثه یا واقعه دلدادگی پادشاه مرو به زنی شوهردار فعال می‌شوند. اولین رقابت بین دو گفتمان قدرت حاکم و گفتمان والی صورت می‌گیرد. حاکم مرو به زن یک از والیان خود عشق می‌ورزد. در اینجا عشق مفهومی گفتمانی است که طی آن دلدادگی صاحب قدرت به مقاومت گفتمان والی یا شهرو منجر می‌شود.

چنان آمد که روزی شاه شاهان که خواندش همی موبد منیکان  
 بدید آن سیمتن سرو روان را بست خندان و ماه بانوان را  
 (گرگانی، ۳۸)

واژگان شاه شاهان، ضمیر ش در خواندش و موبد منیکان اشاره به گفتمان قدرت حاکم دارد که میل خود را به حاکم شدن بر دیگر بوسیله عاشقی بیان می‌کند. واژگان سیمتن، سرو روان، بت خندان و ماه بانوان گفتمان معشوق یا مقاومت است که سر از اطاعت حاکم می‌پیچد. اصل ماجرای رقابت پیرامون واژه عشق در منظومه ویس و رامین به رقابت این دو گفتمان بازمی‌گردد. طی مقاومت و تخاصم این دو گفتمان واژه عشق در خرده گفتمانهای چون گفتمان عشق و عاشقی ویس و رامین، گفتمان عقلانیت دایه، گفتمان مذهبی موبدان و گفتمان احساسی شخصی شاه مرو به طرق مختلف معنادهی می‌شود و در سراسر منظومه این معنادهی رقابت و دشمنی می‌آفریند. به عنوان مثال با بررسی واژگانی که معنای عشق را در دو گفتمان عاشق و معشوق می‌سازند نحوه مقاومت و رقابت پنهان این دو گفتمان را می‌توان شناسایی کرد.

### گفتمان عاشقی رامین

چو بر رامین بی دل شد کار سخت به عشق اندر مرو را خوار شد بخت  
 همیشه جای بی انبوه جستی که بنشستی به تنهایی گریستی  
 (گرگانی، ۱۱۳)

واژگان بی دل، بخت، جای بی‌انبوه، تنهایی، نشستن، گریستن به معنای عشق در گفتمان عاشق اشاره دارد.





### گفتمان معشوق

چو نیک اندر رخ رامین نگه کرد      وفا و مهر و یرو را تبه کرد  
 پس اندیشه کنان به دل همی گفت      چه میشد گر مرا رامین بود جفت  
 نکرد این دوستی بر دایه پیدا      اگر چه گشته بود از عشق شیدا  
 (گرگانی، ۱۵۵)

واژگان نیک نگرستن، تبه کردن وفا، اندیشیدن، با دل گفتن، آرزو کردن، پنهان کردن و شیدا همه نشانه‌هایی هستند که گفتمان معشوق در ابتدای عاشقی نسبت به رامین نشان داده است.

### چه کسانی درگیر هستند؟

در منظومه ویس و رامین تقریباً همه افراد حاضر در گفتمانها از طبقه بالای اجتماعی و به نوعی وابسته به قدرت هستند. هر کدام از آنها با استفاده از واژه و مفهوم عشق رابطه قدرت، ایدئولوژی، سلطه و مقاومت را نزد خود تفسیر می‌کنند و به شکلی خاص به مقاومت و همکاری نسبت به دیگران می‌پردازند. افراد درگیر در این منظومه به ترتیب حضور در گفتمانها عبارتند از: گفتمان عاشق (ویرو یا شاه مرو؛ رامین). گفتمان معشوق: (شهر و رامین). گفتمان عقلا نیت (شاعر، موبد، شهر و، زرد، دایه). گفتمان احساس گرا (ویرو، رامین، ویس).

### روابط بین افراد درگیر در گفتمانها چگونه است؟

با مطالعه متن منظومه ویس و رامین رفتارهای متفاوتی از افراد حاضر در متن دیده می‌شود که با فضا و زمانه قرن پنجم هجری هماهنگی دارد. این هماهنگی را در رفتار افراد جامعه ایران می‌توان دید. نکته اینکه با توجه به فرهنگ حاکم بر جامعه ایران نتیجه داستان نباید به رسمیت یافتن وصال و ازدواج بین ویس و رامین بیانجامد. به عنوان مثال رابطه عاشق و معشوق در منظومه‌های دیگری چون یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد و داستانهای دیگر به ناکامی می‌انجامد. فخرالدین اسعدگرگانی با استفاده از مضمون عشق، پیش بینی ناکامی رابطه عاشق و معشوق را به چالش بکشد. این رویکرد شاعر تا پایان داستان نامشخص است و حوادث داستان همانند روابط



اجتماعی واقعی جلوه می‌کند. افراد به یکدیگر عشق می‌ورزند، خیانت می‌کنند و با دسیسه به یکدیگر یا آرزوهای خود می‌رسند. در ادامه رفتار افراد حاضر در متن با تمرکز بر واژه عشق به اختصار می‌آید:

واژه عشق به معنای دوستی در رفتار دوستانه بین شهرو با ویس؛ موبد با شاه مرو، دایه با ویس و رامین، شاه و زرد.

شهنشه گفت زردا شاد بادی      به نیکی دوستان را یاد بادی  
بگو چون آمدی از ماه آباد      نه شادی از پیام خویش یا شاد  
(گرگانی، ۱۵۷)

عشق در معنای دشمنی در رابطه شهرو با شاه، موبد با ویس و رامین، شاه با ویس.

به چه روز و به چه طالع بزادم      که تا زادم به سختی اوفتادم  
چرا من جان ندادم پیش قارن      ز پیش از آنکه دیدم کام دشمن  
(گرگانی، ۱۲۴)

عشق در معنای اصلاحی یا همان عاشقانه در رابطه بین ویس و رامین.

چو تنگ آمد قصای آسمانی      که بر رامین سر آید شادمانی  
ز عشق اندر دلش آتش فروزد      بر آتش عقل و صبرش را بسوزد  
(گرگانی، ۱۰۷)

عشق در معنای همکاری مابین دایه با ویس و رامین، زرد با شاه.

چو دایه ویس را چونان بیاراست      که خورشید از رخ او نور می‌خواست  
دو چشم ویس از گریه نیاسود      تو گفستی هر زمانش درد بفزود  
(گرگانی، ۲۱۵)

### تبیین

در سطح تبیین، فرکلاف نظر به نوع تأکید بر روند یا ساختار، روند مبارزه یا مناسبات قدرت، مفهوم گفتمان حاکم بر متن را مشخص می‌کند.



۱- **گفتمان بعنوان جزئی از مبارزه اجتماعی.** این نوع نگرش تأثیرات اجتماعی گفتمان بر خلایقیت و آینده را مورد تأکید قرار خواهد داد. در بررسی مصداقی منظومه ویس و رامین می توان گفت که سُراینده آن با سرودن گفتمان عاشقانه زمانه خود وجود مبارزه اجتماعی را در قرن پنجم هجری بر ساخته است. آرامش و بی خیالی که در ابتدا و ظاهر این منظومه نهفته است با بررسی به روش گفتمان انتقادی پرده از فعال بودن مبارزات اجتماعی برمی دارد. خلایقیت فخرالدین اسعد گرگانی در آن است که توانسته موضوع عشق را به گونه ای بازنمایی کند که روابط و مبارزات قدرت را به صورت ناخودآگاه برای خواننده به تصویر می کشد. رویکردی که آینده تحولات اجتماعی را در همراهی عشق و خیانت و شکستن ساختارهای اجتماعی جهت رسیدن به مقصود افراد ممکن می داند. به عنوان مثال در گفتمان عاشق ویس و رامین، عشق جزئی از مبارزه اجتماعی جهت بدست آوردن قدرت است. به عنوان مثال واژگان تیغ، تیر، سنان، تبر، جان، تن، دادر و مردم در ابیات ذیل نشانگر آن است که شاعر در کنار واژه عشق برداشتی خاص از قدرت دارد.

گهی اندر زره شد تیغ چون آب	گهی در دیدگان شد تیر چون خواب
گهی رفتی سنان چون عشق در بر	گهی رفتی تبر چون هوش در سر
همی دانست گفستی تیغ خونخوار	که جان در تن کجا بنهاد دادار
بدان راهی کجا تیغ اندرون شد	ز مردم هم بدان ره جان برون شد

(گرگانی، ۳۱۵)

۲- **قدرت تعیین کننده نوع گفتمان.** در این سطح تبیین، روابط قدرت و بازتولید آن تأکیدی بر تعیین اجتماعی گفتمان و بر نتایج مبارزات گذشته است. این سطح از تبیین به نتیجه گیری متن از روابط اجتماعی باتوجه به تجربیات تاریخی می پردازد که در ذهن ناخودآگاه جامعه حضور دارد. عاشقانه ویس و رامین این حضور تاریخی قدرت مطلقه خداوند و شاه را برای برقراری عدالت و امنیت در قرن پنجم هجری دوباره بازسازی می نماید. این مهم در نتیجه منظومه به روشنی مطرح شده است. ویس و رامین بعد از شکستن همه ساختارها و روابط اجتماعی که رابطه عاشقانه دو نفر را کنترل می کنند خود به مقام پادشاهی و ملکه دربار می رسند. آنها هنگام بدست گرفتن



قدرت به دادگری، ایجاد امنیت و پرورش علم و دانش اموری که لازمه اجتماع قرن پنجم هجری در نظر فخرالدین اسعد گرگانی است روی می آورند.

چو رامین دادجوی و دادگر شد      جهان از خفتگان آسوده تر شد  
سپهداران او هر جا که رفتند      به فر او همه گیتی گرفتند  
چو رنج دشمنانش بود بی بر      جهان او را شد از چین تا به بربر  
(گرگانی، ۵۲۸)

**۳- راهبرد جاودانه سازی؛** به نظر فرکلاف در این راهبرد، پدیده‌های اجتماعی و تاریخی به شکل پدیده‌های دائمی، همیشگی و تکرارشدنی نشان داده می‌شوند به همین دلیل سخت و انعطاف ناپذیرند و قابل فروپاشی نیستند. رخ دادن عشق مابین پادشاه و شهرو، ویس و رامین را فخرالدین اسعد گرگانی با استفاده از این رویکرد امری دائمی، همیشگی و تکرارشدنی و سخت در زبان و اندیشه فردیت ایرانی می‌داند که قابل فروپاشی و تغییر نیستند. مثلاً در ابیات ذیل معانی مختلف عشق در سرانجام ویس و رامین را گرگانی آورده است. عشق در معنای معرفت و گسستن از دنیا، عشق در معنای قناعت، عشق در معنای هوشیاری و خردورزی، عشق در معنای امید به نتیجه دادن مهرورزی، عشق در معنای بی‌قراری.

هر آن کاو طمع بگسست از جهان پاک      نیاید هرگز او را از جهان پاک  
به بی رنجی گذارد زندگانی      نه جوید سود از نیم زیانی  
تو نیز از بخردی و هوشیاری      چو من باشی و غم در دل نداری  
خردورزی و خرسندی نمایی      که خرسندیست بهتر پادشایی  
اگر صد سال تخم مهرکاری      ازو در دست جز بادی نداری  
کسی از عشق ورزیدن نیاسود      به غیر از راه دشواری نیامود  
نبرد این ره به سر اندر جهان کس      اگر تو عاقلی پند منت بس  
(گرگانی، ۶۵۴)



### نتیجه گیری

باتوجه به مطالب بررسی شده پیرامون مفهوم عشق در ویس و رامین می توان این یافته ها بدست آمد.

۱- سراینده منظومه ویس و رامین، علاوه بر بحث عاشقانه بین رابطه ویس و رامین، مباحثی چون قدرت، ایدئولوژی و اجتماع را مد نظر داشته است. این مهم با تحلیل داده های خامی که به روش هدفمند و نمونه برداری تصادفی از متن منظومه ویس و رامین استخراج شد، صورت گرفت.

۲- در سطح توصیف ارزش تجربی و معنایی واژگان، دستور زبان و عوامل بینامتنی بررسی شد. نتیجه بدست آمده آن بود که با بررسی توصیفی متن ویس و رامین ارزشهای واژگانی آن که متمرکز بر واژه عشق هستند وجود تقابل، تضاد، همکاری و همراهی بین گفتمانها را در این منظومه نشان می دهد.

۳- در تفسیر متن ماجرای اصلی عاشقانه ویس و رامین که همانا استفاده از زبان برای برساختن رقابتهای گفتمانی است مورد بررسی قرار گرفت. سطح تبیین به اثبات رسانید که واژه عشق ذیل معنای خود در منظومه ویس و رامین رقابتهای ایدئولوژیک برخاسته از جامعه را نشان می دهد و عاشقانه ویس و رامین مفهومی است که در ذهن ناخودآگاه مردم ایران از دوره باستان تا زمان حال حضور داشته است و بر اساس شرایط زمانی و مکانی مختلف، نوع تفسیر و برداشت از آن متفاوت بوده است. از همین روی می توان نتیجه گرفت گرگانی با تمرکز بر عقلانیت فردی خواهان ساختارشکنی از روابط اجتماعی است که اجازه هیچگونه تلاش فردی را حتی در حوزه انتخاب همسر به افراد جامعه نمی دهد. به نظر شاعر در این منظومه الگوهای پیش ساخته اجتماعی که متمرکز بر استفاده از احساسات در برابر عقلانیت هستند، در تاریخ فرهنگ و اجتماع ایران همیشه موانعی را بر سر راه انتخاب فرد تراشیده اند که به قربانی شدن فردیت در برابر جمع منجر شده است.

### کتابنامه

- اصغرپور رحیم؛ ۱۳۸۱، «شعر و عشق»، تهران، البرز.
- آقا گل زاده، فردوس؛ (۱۳۸۶)، «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»، فصلنامه ادب پژوهی، ش ۱، بهار.



- بشیر، حسن؛ (۱۳۸۴). «تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها»، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- پورجوادی نصرالله؛ ۱۳۷۰، «سیر تحولات معنای عشق» مجله نشر دانش، شماره ۳۸.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۳) «گفتمان، پادگفتمان و سیاست»، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- حسینی قاسم؛ ۱۳۷۴، «ادبیات نظری عشق»، تهران، سخن.
- رحیمیان سعید، ۱۳۷۰، «عشق حقیقی عشق مجازی»، کیهان اندیشه شماره ۳۷.
- رودگر محمدجوادی، ۱۳۸۶، «تفسیر عشق تقسیم عشق»، مجله نقد کتاب، شماره ۴۳.
- سجودی، فرزانه؛ (۱۳۸۲). «نشانه‌شناسی کاربردی»، تهران، قصه.
- سلطانی، سید علی اصغر، (۱۳۸۴)، «قدرت، گفتمان و زبان، سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران»، تهران، نشر نی.
- عابدین‌زاده محمدرضا؛ ۱۳۷۷، «فرهنگنامه لغات و تعاریف روابط انسانی»، تهران، گلستانه.
- فرکلاف، نورمن؛ (۱۳۷۹)، «تحلیل انتقادی گفتمان»، ترجمه فاطمه شایسته پیران، شعبان علی بهرام‌پور.
- قهرمانی مریم؛ (۱۳۹۲)، «ترجمه و تحلیل انتقادی گفتمان: رویکردی نشانه‌شناختی»، تهران، مولف.
- گرگانی فخرالدین اسعد، ۱۳۴۹، «ویس و رامین»، به تصحیح الکساندر دوگا، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، نسخه الکترونیک.
- مدی ارژنگ؛ ۱۳۸۶، «عشق در ادب فارسی»، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ممتحن مهدی و ملیحی‌زاده طاهره، ۱۳۹۱، «سنجش عشق در دو شیفته عشق لیلی و مجنون و رومئو و ژولیت»، فصلنامه مطالعات تطبیقی، شماره ۲۳.
- نجمیان امیرعلی، ۱۳۹۱، «تجربه عشق در کتاب عشق روی پیاد رو نوشته مصطفی مستور»، فصلنامه نقد ادبی، شماره ۱۸.
- یارمحمدی، لطف‌الله؛ (۱۳۸۳). «گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی»، تهران، هرمس.